

پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام (۲ از ۳)

قرآن کریم انسان‌ها را به **مشاهده** آثار و رفتار جوامع مختلف و **تعقل** درباره آنها تشویق کرده است.

قرآن هم **حس** و **تجربه** را از ابزارهای علم اجتماعی می‌داند و هم از **عقل** و **وحی** به عنوان دو **ابزار علمی** دیگر یاد می‌کند و از همگان می‌خواهد که از این ابزارها برای علم‌آموزی و شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی استفاده کنند.

در عین حال، کسانی را که **شناخت علمی** را به شناخت **حسی** و **تجربی** محدود می‌کنند، مورد **نکوهش** قرار می‌دهد.

متفکران مسلمان در جهان اسلام با توجه به آموزه‌های قرآنی، **علم اجتماعی** نافع و متناسب با جهان اجتماعی خود را پدید آورده اند.

فارابی، **ابوریحان بیرونی** و **ابن خلدون** از جمله اندیشمندانی هستند که در حوزه **علوم اجتماعی**، آثار مهمی از خود به جا گذاشته اند.

فارابی علم اجتماعی را زیرمجموعه علوم انسانی می‌دانسته و آن را «**علم مدنی**» نامیده است. او با توجه به جوامع **زمان خود** و جوامع **گذشته** و همچنین با **استدلال عقلی**، جوامع مختلف را بر اساس نوع **علم**، **اندیشه**، **فرهنگ** و **رفتاری** که دارند، به انواعی تقسیم کرده است.

فارابی جوامعی را که از علوم **عقلی** بی بهره‌اند، «**مدینه جاهله**» نامیده است. در **جوامع جاهله** علم ابزاری می‌تواند وجود داشته باشد اما **علمی** که از ارزش‌ها، آرمان‌ها و **حقیقت** زندگی سخن بگوید، وجود ندارد.

مدینه فاسقه و «**مدینه ضالّه**» در نظریه فارابی، جوامعی هستند که در نتیجه **انحراف** از مدینه فاضله، شکل گرفته اند.

مدینه فاسقه جامعه‌ای است که در اثر **انحراف عملی** از مدینه فاضله به وجود می‌آید. در **مدینه فاسقه**، با آن که مردم علوم **وحیانی و عقلانی** را می‌شناسند، اما از آن‌ها بهره نمی‌گیرند، یعنی با آنکه مردم **حقیقت و عدالت** را می‌شناسند یا امکان شناخت آن را دارند، بر اساس آن عمل نمی‌کنند. **مدینه ضالّه** جامعه‌ای است که در اثر **انحراف نظری** از مدینه فاضله شکل می‌گیرد. در **مدینه ضالّه**، نظرات علمی پذیرفته شده در مدینه فاضله هم تحریف می‌گردند و آرمان‌ها، ارزش‌ها و امور **غیرعقلانی**، آرمان‌ها و ارزش‌های عقلانی معرفی می‌شوند.

پس از ارائه این تقسیم‌بندی، **فارابی** با نگاه **انتقادی** به جوامع زمان خود می‌نگرد و آن جوامع را مدینه‌های **فاسقه** یا **ضالّه** می‌داند.

ویژگی های علم مدنی فارابی :

- ۱- به **توصیف و فهم** کنش‌ها و ساختارهای جوامع مختلف می‌پردازد.
- ۲- به تبیین یعنی علّتیابی **واقعیت‌های اجتماعی** و بررسی تغییرات و تحولات آنها می‌پردازد.
- ۳- درباره هنجارها، ارزش‌ها و آرمان‌های جوامع مختلف، **داوری علمی** می‌کند و **رویکرد انتقادی** به جامعه خود و دیگر جوامع دارد.
- ۴- درباره هنجارها، نحوه رفتار و **سبک زندگی** کنشگران سخن می‌گوید و بایدها و نبایدهایی برای زندگی اجتماعی **تجویز** می‌کند.

ابوعلی مسکویه و ابوریحان بیرونی از دیگر متفکران اجتماعی هستند که آثار ارزشمندی پدید آورده اند. ابوعلی مسکویه با نگاهی تبیینی کتاب «تَجَارِبُ الْأُمَّمِ» را در هشت جلد تألیف کرد و ابوریحان بیرونی در کتاب «تحقیق مَالِیْهِند» با روش تجربی و تفهومی، فرهنگ جامعه هند را توصیف کرد و با استفاده از روش عقلی، به ارزیابی انتقادی این فرهنگ نیز پرداخت.

ابن خلدون یکی دیگر از اندیشمندان مسلمان است که با تأثیرپذیری از قرآن، به دنبال شناخت سنت‌های الهی در جامعه بود. او در مطالعات خود به روش عقلی توجه چندانی نداشت و بیشتر از روش حسی و تجربی استفاده می‌کرد و بنابراین از جامعه آرمانی سخنی نگفت.

ابن خلدون با استفاده از تجربه تاریخی جوامع پیرامون خود از «عصبیت» به عنوان عامل شکل‌گیری جوامع یاد می‌کند و این دریافت خود را به همه جوامع تعمیم می‌دهد.

رویگرد ابن خلدون، انتقادی نیست و جامعه‌شناسی او در مقایسه با جامعه‌شناسی فارابی محافظه کارانه است.

ابن خلدون علم اجتماعی خود را علم عمران می‌نامد.

مدرسه مجازی اینو